



A comparative study of the effect of marriage on the mother's right to custody in Imamiyya jurisprudence, Iranian and Kuwaiti law

Ehsan Samani ¹

1. Associate Professor, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, University of Sistan and Baluchestan, Iran (Corresponding Author), Email: esamani63@lihu.usb.ac.ir

Abstract

Child custody is one of the important issues in family law, concerning the care, upbringing, and physical and psychological protection of children. Under Article 1178 of the Iranian Civil Code, custody is both a right and a duty of parents. By contrast, Article 189 of the Kuwaiti Personal Status Law recognizes the mother as the primary holder of custody and does not place the father on an equal footing with her. In both Iranian and Kuwaiti law, the mother's right to custody is subject to certain conditions. This study, using a descriptive-analytical method and library-based research, examines the effect of the mother's remarriage on her right to custody from the perspectives of Imami jurisprudence, Iranian law, and Kuwaiti law, and seeks to identify the similarities and differences between these legal systems. The findings indicate that under Imami jurisprudence and Iranian law, remarriage by itself should not necessarily result in the loss of the mother's custody where married life has not yet commenced. The underlying rationale for restricting custody is the potential conflict between the mother's marital obligations and her responsibilities toward the child. Accordingly, the commencement of marital cohabitation is relevant, while the occurrence of sexual relations is not a prerequisite for the loss of custody. Furthermore, where the child's father has died, the mother's remarriage does not deprive her of custody, as custody remains with the surviving parent. Kuwaiti law adopts a different approach. Although the mother's remarriage may result in the loss of custody, this consequence does not arise where she marries a person who is a mahram to the child. Moreover, pursuant to Article 191 of the Kuwaiti Personal Status Law, where the mother marries a non-mahram man, the loss of custody is conditioned upon the occurrence of marital relations. Another significant difference is that the father's survival is not a prerequisite for the loss of the mother's custody under Kuwaiti law. Finally, Article 193 recognizes the restoration of custody upon the removal of the impediment, although Islamic jurists differ concerning the effect of revocable and irrevocable divorce on the restoration of custody. The study concludes that, despite the differences between the three systems, the best interests of the child should constitute the fundamental criterion in determining the effect of the mother's remarriage on custody.

Key Words: Marriage; Loss of Custody; Mother's Custody; Imami Jurisprudence; Iranian Law; Kuwaiti Law.

Received: 08/05/2026; **Revised:** 12/06/2026; **Accepted:** 17/07/2026; **Published online:** 17/08/2026

How To Cite: Samani, E. (2026). A comparative study of the effect of marriage on the mother's right to custody in Imamiyya jurisprudence, Iranian and Kuwaiti law. *Private Law Doctrines of Islamic Countries*, 3(2), 44-62. <https://doi.org/10.22091/dplic.2026.17540.1152>

Published by: University of Qom

©The Author(s)

Article type: Research



مطالعه تطبیقی اثر ازدواج بر حق حضانت مادر در فقه امامیه، حقوق ایران و کویت

احسان سامانی^۱

۱. دانشیار، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه سیستان و بلوچستان، ایران (نویسنده مسئول). رایانامه: esamani63@lihu.usb.ac.ir

چکیده

یکی از موضوعات مهم حقوق خانواده، مسئله حضانت است. بر اساس ماده ۱۱۶۸ قانون مدنی ایران حضانت، حق و تکلیف والدین طفل است. برخلاف حقوق کویت که ماده ۱۸۹ قانون احوال شخصیه این کشور، حضانت را در رتبه اول، حق مادر می‌داند و سپس خویشاوندان مؤنث مادری به ترتیب قرابت و پدر را در این حق هم‌رتبه مادر ندانسته است. حق حضانت مادر در قانون ایران و نیز حقوق کویت، مطلق نبوده و متوقف بر یک سری شروط است. در این پژوهش که به صورت توصیفی تحلیلی و با استفاده از روش کتابخانه‌ای صورت گرفته است به دنبال پاسخ به این سؤال هستیم که بر اساس فقه امامیه و حقوق ایران در فرض ازدواج مجدد مادر با چه شرایطی حق حضانت مادر ساقط می‌شود؟ پاسخ به این مسئله بر اساس حقوق کویت چیست و چه وجوه تشابه و تمایزی بین حقوق این دو کشور در این مسئله وجود دارد؟ یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که در حقوق ایران عقد ازدواج به تنهایی مانع حق حضانت مادر نمی‌شود، بلکه باید علاوه بر ازدواج (چه با مرد محرم طفل و چه نامحرم با او) زندگی مشترک را نیز شروع کرده باشند. هرچند نیازی به وقوع رابطه زناشویی بین آنان نیست. همچنین پدر طفل نیز باید در قید حیات باشد. در قانون کویت نیز اگرچه ازدواج مادر موجب سلب حق حضانت از او می‌شود، اما مانعیت ازدواج از حق حضانت، مشروط به آن است که مادر با مرد نامحرم طفل ازدواج کند و ازدواج او با مرد محرم طفل، مانع حق حضانت او نمی‌شود. همچنین سلب حق حضانت در حقوق کویت بر اساس ماده ۱۹۱ قانون احوال شخصیه برخلاف حقوق ایران، مشروط به وقوع رابطه زناشویی بین آنان است. نیز در حقوق کویت، در قید حیات بودن پدر، جزء شروط سلب حق حضانت از مادر نیست. بلکه با دو شرط فوق حتی اگر پدر در قید حیات نیز نباشد، حضانت از مادر سلب و به افراد بعدی که دارای حق حضانت هستند، واگذار می‌شود.

واژگان کلیدی: ازدواج، سقوط حق حضانت، حقوق کویت، حق حضانت مادر، حقوق ایران.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۵/۰۲/۱۸؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۵/۰۳/۲۲؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۴/۲۶؛ تاریخ انتشار برخط: ۱۴۰۵/۰۵/۲۶

استناد: سامانی، احسان. (۱۴۰۵) مطالعه تطبیقی اثر ازدواج بر حق حضانت مادر در فقه امامیه، حقوق ایران و کویت، *آموزه‌های*

حقوق خصوصی کشورهای اسلامی، ۳(۲)، ۴۴-۶۲. <https://doi.org/10.22091/dplic.2026.17540.1152>



نوع مقاله: پژوهشی

© نویسندگان

ناشر: دانشگاه قم

مقدمه

حضانت یکی از مهم‌ترین نهادهای حقوق خانواده است که با حقوق و تکالیف والدین و نیز تأمین مصالح مادی و معنوی طفل ارتباط مستقیم دارد. اهمیت حضانت از آن جهت است که کودک در سال‌های نخست زندگی به مراقبت، نگهداری، تربیت و حمایت جسمی و روحی نیازمند است و معمولاً والدین به‌ویژه مادر، مناسب‌ترین اشخاص برای تأمین این نیازها محسوب می‌شوند. در نظام حقوقی ایران مطابق ماده ۱۱۶۸ قانون مدنی، حضانت و نگهداری اطفال هم حق و هم تکلیف ابویین است. ماده ۱۱۶۹ این قانون در صورت جدایی والدین، مادر را تا سن هفت سالگی برای حضانت طفل مقدم دانسته و پس از آن، حق حضانت را برای پدر قرار داده است؛ باین‌حال ملاک نهایی در اختلافات مربوط به حضانت، رعایت مصلحت طفل است. در کنار حضانت، ولایت قهری نیز از مفاهیم مرتبط با سرپرستی طفل است، اما این دو نهاد از حیث ماهیت و صاحبان حق یکسان نیستند. ولایت قهری مطابق قانون مدنی اختصاص به پدر و جد پدری دارد، اما حضانت به حکم قانون، حق و تکلیف پدر و مادر است.

یکی از مسائل مهم و در عین حال محل بحث در زمینه حضانت، تأثیر ازدواج مجدد مادر بر استمرار این حق است. بر اساس ماده ۱۱۷۰ قانون مدنی ایران، اگر مادر در مدتی که حضانت طفل با اوست ازدواج کند، حق حضانت با پدر خواهد بود. در فقه امامیه نیز اصل ازدواج مجدد مادر به‌عنوان یکی از موانع حضانت مطرح شده است. باین‌حال، درباره قلمرو این حکم و شرایط تحقق آن، پرسش‌های متعددی وجود دارد؛ ازجمله اینکه آیا صرف انعقاد عقد نکاح برای سقوط حق حضانت کافی است یا آغاز زندگی مشترک نیز ضرورت دارد؟ آیا تحقق رابطه زناشویی میان مادر و همسر جدید شرط سقوط حضانت است؟ در صورت فوت پدر، آیا ازدواج مجدد مادر همچنان مانع حضانت خواهد بود؟ همچنین در صورت زوال مانع، آیا حق حضانت مجدداً به مادر بازمی‌گردد؟

این مسائل در حقوق کویت نیز از اهمیت خاصی برخوردار است، اما قانون‌گذار کویتی در تنظیم رابطه میان ازدواج مجدد مادر و حضانت، راه‌حل متفاوتی برگزیده است. مطابق ماده ۱۸۹ قانون احوال شخصیه کویت، مادر در رتبه نخست صاحبان حق حضانت قرار دارد و پس از او، مجموعه‌ای از خویشاوندان مؤنث مادری در اولویت قرار می‌گیرند و پدر در رتبه‌ای بعدی قرار دارد. همچنین مطابق ماده ۱۹۱ این قانون، ازدواج مادر با مرد نامحرم طفل، در صورت تحقق شرایط مقرر موجب سقوط

حضانت می‌شود. از این رو، مقایسه مقررات فقه امامیه و حقوق ایران با مقررات حقوقی کویت در خصوص این مسئله می‌تواند تفاوت مبانی و شیوه‌های تنظیم این نهاد را آشکار سازد.

۱. حضانت

واژه «حضانت» به فتح و یا کسر حاء (واسطی، ۱۴۱۴: ج ۱۸، ۱۵۳؛ ابن منظور، ۱۴۱۴: ج ۱۳، ۱۲۳) در لغت به معنای حفاظت و نگاهداری (ابن اثیر، بی‌تا: ج ۱، ۴۰۱)، ممانعت کردن و اخراج کردن (فراهیدی، ۱۴۱۰: ۳، ۱۰۵) کفالت کردن، پرورش دادن، تربیت کردن (واسطی، ۱۴۱۴: ج ۱۸، ۱۵۳) و زیر پروبال گرفتن پرنده، تخم‌های خود را برای اینکه جوجه شود، به کار رفته است (صاحب بن عباد، ۱۴۱۴: ج ۲، ۴۴۴) این واژه در اصطلاح حقوقی به معنای ولایت و سلطنت بر طفل و مجنون (عاملی، شهید ثانی، ۱۴۱۰: ج ۵، ۴۵۸) برای تربیت و متعلقات آن از قبیل نگهداری کودک، گذاشتن او در بستر، سرمه کشیدن، پاکیزه کردن، شستن جامه‌های او، گذاردن او در تخت خواب، پوشانیدن روی او، شستشوی لباس او (طاهری، ۱۴۱۸: ج ۳، ۳۲۴) و انجام همه کارهایی است که برای سرپرستی و مواظبت کودک با توجه به اقتضای سن او لازم است (کاتوزیان، ۱۴۰۲: ۳۸۰؛ یزدی، ۱۳۹۶: ۱۰۷۷).

گویا پدر یا مادر - همانند پرنده که تخم خود را برای جوجه شدن زیر پروبال خود می‌گیرد - فرزند خود را برای حفظ نمودن از خطرات، زیر پروبال خود می‌گیرند (سبحانی، بی‌تا: ج ۲، ۳۳۰). به عنوان مثال اگر فرزند مریض شود و نیاز به بردن پیش پزشک و گرفتن دارو و یا پرستار داشته باشد، همه این موارد مشمول حضانت است (امامی، بی‌تا: ج ۵، ۱۸۸)، اگرچه حضانت، خصوصاً در سال‌های ابتدایی ولادت بیشتر ناظر به حمایت جسمی کودک است، اما شامل تربیت و حمایت روحی و اخلاقی او نیز است (جعفری لنگرودی، ۱۴۰۴: ۲۱۶، امامی، بی‌تا: ج ۵، ۱۹۷؛ صفایی و امامی، ۱۳۹۸: ۴۱۰)؛ به همین جهت فقها، مادر کافر را - در صورت مسلمان بودن کودک - به جهت امکان منحرف ساختن او از دین اسلام، از حق حضانت طفل محروم دانسته‌اند (عاملی، ۱۴۱۳: ج ۸، ۴۲۲). یا انتقال کودک توسط مادر از شهر به روستا را - به جهت تأثیر منفی آن بر تعلیم و تربیت طفل - موجب سلب حق حضانت از مادر دانسته‌اند (نجفی، ۱۴۰۴: ج ۳۱، ۲۸۸). علاوه بر اینکه واژه تربیت که در تعریف حضانت به کار رفته، هر دو بعد مادی و معنوی (جعفری لنگرودی، ۱۴۰۴: ۲۱۶) و یا جسمی و روحی را در برمی‌گیرد (صفایی و امامی، ۱۳۹۸: ۴۱۰). در ماده ۱۱۷۳ قانون مدنی نیز، حضانت ناظر به هر دو بعد جسمی و روحی طفل است. البته در سال‌های آغازین (چهار یا پنج سالگی)، اطفال بیشتر نیاز به مراقبت‌های

جسمی دارند، اما پس از این سنین، رشد جسمی طفل منوط به تکامل بعد روحی اوست و عدم توجه به این بعد، موجبات اختلال در جسم و شخصیت کودک را به دنبال دارد (یزدی، ۱۳۹۶: ۱۰۷۷).

۲. ولایت

ولایت در لغت به معنای حکومت کردن، تسلط پیدا کردن، دوست داشتن، یاری دادن، دست یافتن و تصرف کردن آمده است (جوهری، ۱۴۱۰: ج ۶، ۲۵۲۹؛ ابن منظور، ۱۴۱۴: ج ۱۵، ۴۰۶؛ واسطی، ۱۴۱۴: ج ۲۰، ۳۱۰؛ مصطفوی، ۱۴۰۲: ج ۱۳، ۲۰۳). ولایت در اصطلاح حقوق مدنی، قدرت و اختیاری است که برابر قانون به یک شخص ذی صلاح برای اداره امور محجور اعطاء شده است و ولی کسی است که از طرف شارع و قانون‌گذار، سرپرستی و اداره اموال بعضی از محجورین را به عهده دارد (طاهری، ۱۴۱۸: ج ۱، ۱۳۵). ولایت دارای اقسامی است؛ ممکن است به حکم مستقیم قانون به شخصی داده شده یا به موجب وصایت و اگذار گردیده و یا به حکم دادگاه برقرار شده باشد. ولایتی که به حکم مستقیم قانون و اگذار شده باشد، اصطلاحاً ولایت قهری نامیده می‌شود (صفایی و امامی، ۱۳۹۸: ۴۴۶) که قانون مدنی در مواد ۱۱۸۰ تا ۱۱۹۴ در مورد آن سخن گفته است.

بر اساس ماده ۱۱۸۱ قانون مدنی، هر یک از پدر و جد پدری نسبت به اولاد خود ولایت دارند. از آنجا که این سمت به پدر و جد پدری توسط قانون - بدون انتصاب و یا تنفیذ از طرف مقام رسمی - اعطاء شده است بدان ولایت قهری گفته می‌شود (امامی، بی‌تا: ج ۵، ۲۰۳). همان‌گونه که قانون مقرر نموده، ولایت اختصاص به پدر و جد پدری دارد و مادر از این حق برخوردار نیست. ولایت بر دو قسم است: ولایت خاص و ولایت عام. مقصود از ولی خاص در فقه امامیه و قانون، پدر و جد پدری و وصی آنان است و مقصود از ولی عام، حاکم شرعی و قیم منصوب از سوی حاکم است (طاهری، ۱۴۱۸: ج ۱، ۱۳۸).

۳. شرایط سقوط حق حضانت مادر در فرض ازدواج مجدد در فقه امامیه و حقوق ایران

بر اساس فقه امامیه و حقوق ایران حضانت طفل تا سن هفت سالگی، حق مادر است. البته این حق، یک حق مطلق نیست و در برخی شرایط از مادر سلب خواهد شد. در ذیل به بیان شرایط سقوط حق حضانت از مادر می‌پردازیم.

۳-۱. انعقاد عقد ازدواج

یکی از شروطی که برای حضانت مادر بیان شده، ازدواج نکردن مجدد اوست. البته ازدواج مجدد پدر، موجب سلب حق حضانت از او نخواهد شد. بنابراین اگر مادر در دورانی که حضانت طفل با اوست با مرد دیگری ازدواج کند حق حضانت از او سلب می‌شود (حلی، ۱۴۱۰: ج ۲، ۶۵۱). بر اساس ماده ۱۱۷۰ قانون مدنی، در صورت ازدواج مجدد مادر حق حضانت به پدر طفل منتقل می‌شود؛ زیرا زن با ازدواج مجدد، موظف به حسن معاشرت با شوهر خود و عهده‌دار تکالیف زنشویی است و نمی‌تواند آن‌گونه که شایسته است از عهده تکالیفی که حضانت بر او تحمیل نموده، برآید (امامی، بی‌تا: ج ۵، ۱۹۶).

شرط ازدواج مجدد مادر در فقه امامیه و حقوق ایران، مطلق ذکر شده است و اقتضای اطلاق آن است که به صرف ازدواج مادر، حق حضانت از او سلب می‌شود چه با مردی که محرم طفل است ازدواج کرده باشد و چه با مردی که نامحرم اوست. برخلاف حقوق کویت که حکم مسئله در فرضی که مادر با محرم طفل ازدواج کند، متفاوت خواهد بود. لازم به ذکر است این سلب حق، دائمی نیست و در صورت طلاق بائن زن از شوهر جدید، حق حضانت مجدداً به او می‌گردد (حلی، ۱۴۱۳: ج ۷، ۳۰۸)، چون حضانت طفل حق طبیعی والدین و ارفاق و لطف در حق فرزند است و آنچه باعث زوال حق حضانت از مادر شده است اشتغال او به حقوق زوج است و چه‌بسا شوهر، مادر را از ادای برخی حقوق طفل منع نماید.

برخی فقها حتی طلاق رجعی را نیز برای برگشت حق حضانت به مادر کافی دانسته‌اند، زیرا آنچه مانع حق حضانت بود اشتغال ذمه مادر به حقوق شوهر بود و این تکالیف با طلاق رجعی نیز از مادر برداشته می‌شود (بحرانی، ۱۴۰۵: ج ۲۵، ۹۳). بنابراین چنانچه مانع که در اینجا ازدواج مادر است، مرتفع شود، یعنی مادر از شوهر جدید طلاق بگیرد، چون مقتضی موجود است حق طبیعی او نسبت به حضانت فرزند، بازخواهد گشت (حلی، ۱۴۱۳: ج ۷، ۳۰۹). با این وجود برخی از فقها قائل به عدم برگشت حق حضانت مادر با طلاق بائن می‌باشند؛ زیرا حق حضانت با ازدواج مادر، از او سلب شده است و برگشت مجدد این حق نیاز به دلیل دارد و روایت منقول از حضرت رسول (ص)، غایت و پایان استحقاق مادر نسبت به حضانت طفل را ازدواج او قرار داده است و فرض نیز این است که مادر ازدواج کرده است، بنابراین حق حضانت او به پایان رسیده است (حلی، ۱۴۱۰: ج ۲، ۶۵۱).

به نظر دیدگاه برگشت حق حضانت مادر با طلاق انطباق بیشتری با واقع دارد، بدین دلیل که در بعضی از شرایط و استثنائات به تناسب حکم و موضوع، عرف قضیه را حینیه تلقی می‌کند، نه اینکه آن

را دائمی بداند. مثلاً اگر گفته شود که تقلید از مجتهد جایز است، مگر اینکه فاسق بشود، انسان می‌فهمد که اگر فسق این مجتهد زایل بشود، می‌شود از او تقلید کرد. در اینجا هم عرف می‌فهمد که این شرط شوهر نداشتن در حق حضانت تعبدی محض نیست، بلکه به جهت مزاحمت آن‌ها با یکدیگر بوده و لذا اگر شوهر فوت کند، یا اینکه زن را طلاق -چه طلاق بائن و چه رجعی- بدهد، مانع برطرف شده و حق حضانت به مادر برمی‌گردد (شیری زنجانی، ۱۴۱۹: ج ۲۵، ۷۹۷۰)؛ زیرا مانع حق حضانت مادر، همان‌گونه که بیان شد اشتغال او به حقوق شوهر است و با طلاق چه بائن و چه رجعی، تکالیف ناشی از زوجیت از زن برداشته می‌شود، بنابراین حتی با طلاق رجعی، مانع حق حضانت مادر مرتفع می‌شود. لازم به ذکر است اگرچه قانون مدنی ایران در خصوص بازگشت حق حضانت مادر پس از طلاق مادر از همسر جدید، حکم صریحی ندارد؛ اما اداره کل حقوقی قوه قضاییه در نظریه مشورتی شماره ۱۲۲۴/۱۴۰۰/۷ مورخ ۱/۱۰/۱۴۰۰، با استناد به مواد ۱۱۶۸ و ۱۱۶۹ قانون مدنی و قاعده فقهی «اذا زال المانع عاد الممنوع»، اعاده حق حضانت مادر پس از انحلال ازدواج جدید را، در دوره‌ای که مادر قانوناً دارای اولویت در حضانت است، پذیرفته است. علاوه بر این طبق اصل ۱۶۷ قانون اساسی و نیز ماده ۳ قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹، در موارد سکوت قانون، قاضی نمی‌تواند به بهانه سکوت یا نقص یا اجمال یا تعارض قوانین مدونه، از رسیدگی به دعوا و صدور حکم امتناع ورزد، بلکه باید با استناد به منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر، حکم قضیه را صادر نماید.

۳-۲. تشکیل زندگی مشترک

اگرچه اقتضای اطلاق ماده ۱۱۷۰ قانون مدنی و نیز جمود بر لفظ در منابع فقهی آن است که اصل زوجیت که با عقد تحقق پیدا می‌کند، مانع حق حضانت مادر می‌شود و نیازی به تحقق عروسی و رفتن به منزل شوهر نیست، ولی به نظر می‌رسد که در اطلاق‌گیری و انصراف، تناسب حکم و موضوع دخالت دارد؛ گاهی موضوع از مستحدثات شرع است و شارع آن را از عالم وحی آورده است، در این گونه موضوعات فقط باید لفظ را مدّ نظر قرار داد و لذا قابلیت اطلاق‌گیری در آن‌ها وجود نداشته و انصراف در آن‌ها خیلی کم است. اما در این گونه موضوعات که عرف آن‌ها را می‌فهمد و در اینجا اولاً معلوم نیست که در قدیم هم این مقدار فاصله بین عقد و عروسی بوده است و به احتمال خیلی قوی، عقد با فاصله کمی وصل به عروسی می‌شد، نه اینکه چند سال فاصله شود، لذا معلوم نیست که این شرطیت شامل چنین زوجیتی هم که در آن زمان معمول نبوده است بشود؛ ثانیاً بر فرض که چنین

فاصله‌هایی هم معمول بوده است، لکن در اینجا عرف می‌فهمد که شارع به مزاحمت انجام وظایف شوهر با وظیفه تربیت بچه و رسیدگی به آن نظر دارد و لذا در صورت عقد صرف، وجهی ندارد که دلیل اشتراط شامل این فرض هم شود و تمسک به اطلاق در این گونه موارد مشکل است. بنابراین به صرف عقد کردن، قبل از عروسی نمی‌توان حکم به سقوط حق حضانت از مادر نمود (شیرازی زنجانی، ۱۴۱۹: ج ۲۵، ۷۹۶۹).

با توجه به تعلیلی که در خصوص سبب سقوط حق حضانت از مادر در فرض ازدواج و شروع زندگی مشترک بیان شد، روشن می‌شود که توقف سلب حق حضانت از مادر، بر برقراری رابطه زناشویی بین زن و شوهر قابل توجیه نیست؛ چراکه با شروع زندگی مشترک حتی در فرض عدم برقراری رابطه زناشویی، حقوق زوج متوجه زوجه می‌شود و مکلف به انجام وظایفی خواهد بود که چه‌بسا با حضانت فرزند، سازگار نباشد. البته با این وجود در حقوق کویت سلب حق حضانت از مادر متوقف بر برقراری رابطه زناشویی با همسر جدید است که در آینده به آن خواهیم پرداخت.

۳-۳. عدم وفات پدر

اگرچه ازدواج مجدد مادر موجب سقوط حق حضانت او می‌شود، اما این حکم اختصاص به موردی دارد که پدر طفل در قید حیات باشد. بنابراین در صورت وفات پدر، حق حضانت طفل با مادر است حتی اگر ازدواج کرده باشد (عاملی، ۱۴۱۰: ج ۵، ۴۵۹؛ موسوی خمینی، بی‌تا: ج ۲، ۳۱۳؛ نجفی، ۱۴۰۴: ج ۳۱، ۲۹۳؛ حکیم، ۱۴۱۰: ج ۲، ۳۰۲)؛ زیرا نصوصی که دلالت بر مانع بودن ازدواج از حق حضانت مادر دارند اختصاص به صورتی دارد که پدر وجود داشته باشد. علاوه بر اینکه روایاتی که دلالت بر اولویت مادر نسبت به حضانت فرزند پس از ازدواج در فرض عبد بودن پدر می‌نماید (حر عاملی، ۱۴۰۹: ج ۲۱، ۴۵۹).

مؤید این دیدگاه است (سبحانی تبریزی، بی‌تا: ج ۲، ۳۳۶) بدین توضیح که وقتی با وجود پدر (غیرآزاد)، ازدواج مادر مانع حق حضانتش نمی‌شود به‌طریق‌اولی در فرض نبود پدر، ازدواج او مانع نخواهد بود. بنابراین مادر در فرض فوت پدر حتی در صورت ازدواج کردن، نسبت به حضانت طفل، بر دیگر خویشاوندان طفل مقدم است، همان‌گونه که اگر مادر وفات کند، حضانت طفل به پدر سپرده می‌شود (سبزواری، ۱۴۱۳: ج ۲۵، ۲۸۱؛ خویی، ۱۴۱۰: ج ۲، ۲۸۶؛ فاضل لنکرانی، ۱۴۲۱: ۵۶۱)؛ زیرا طبق ماده «۱۱۶۸» قانون مدنی، حضانت و نگهداری اطفال حق و تکلیف ابوبین است، بنابراین هرگاه

یکی از آنان وفات نماید دیگری بالاستقلال دارای حق حضانت است، اگرچه کسی که مرده است وصی برای حضانت طفل خود معین نموده باشد؛ زیرا وصی نماینده موصی است که در نبودن او اعمال و وظائف ولایت را انجام می‌دهد، بنابراین با وجود دیگری که خود دارای حق حضانت است، نماینده سمتی ندارد (امامی، بی‌تا: ج ۵، ۱۹۹) حضرت امام (ره) نیز در رابطه با این مسئله می‌فرماید: «مادر سزاوارتر به حضانت فرزند - بچه پسر باشد یا دختر - از وصی پدر او است، اگرچه ازدواج کرده باشد و همچنین از باقی خویشان پدر حتی پدر پدر او و مادر (پدر) او تا چه رسد به غیر آنها، همان‌گونه که اگر مادر در زمان حضانتش بمیرد پدر از غیر او به آن احق است و اگر پدر و مادر نبودند حضانت طفل با پدر پدر است و اگر او هم نبود و پدر پدر وصی نداشته باشد خویشاوندان فرزند بر اساس ترتیب مراتب ارث، حضانت او را دارند و نزدیک‌ترین آنها مانع دورترین آنها است (موسوی خمینی، ۱۴۲۵: ج ۳، ۵۵۷).

ماده «(۱۱۷۱) قانون مدنی نیز در این خصوص مقرر می‌دارد: «در صورت فوت یکی از ابوين، حق حضانت طفل با آنکه زنده است خواهد بود هر چند متوفی، پدر طفل بوده و برای او قیم معین کرده باشد». البته در این ماده مقصود از قیم، وصی است؛ زیرا نماینده‌ای که توسط پدر و جد پدری انتخاب می‌شود وصی نام دارد و قیم نماینده‌ای است که توسط دادگاه در صورت نبود وصی انتخاب می‌شود. بنابراین با توجه به اطلاق این ماده و ماده ۱۱۶۸ قانون مدنی و نیز نظر فقها (عاملی، ۱۴۱۳: ج ۸، ۴۲۷؛ حلی، ۱۴۰۸: ج ۲، ۲۹۰) در صورت وفات پدر، حضانت فرزند با مادر است، حتی اگر ازدواج کرده باشد. همان‌گونه که شعبه ۳۳ دیوان عالی کشور نیز در رأی شماره ۲۰۸۴ خود مقرر می‌دارد: «در صورت فوت هر یک از ابوين، حضانت طفل با شخصی است که در قید حیات است چه ازدواج کند یا خیر» (حبیبی تبار، ۱۳۹۵: ۲۱۰).

برخی فقها برای اثبات این مطلب علاوه بر اجماع، به روایاتی از جمله روایت زراره از امام باقر (ع) استناد نمودند (حائری طباطبائی، ۱۴۱۸: ج ۱۲، ۱۵۹؛ نجفی، ۱۴۰۴: ج ۳۱، ۲۹۳) که امام (ع) می‌فرماید: «وَلَيْسَ لِلْوَصِيِّ أَنْ يُخْرِجَهُ مِنْ حَجَرِهَا حَتَّى يُدْرِكَ وَ يُدْفَعَ إِلَيْهِ مَالُهُ» (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۶، ۴۱؛ طوسی، ۱۴۰۷: ج ۸، ۱۰۶) طبق دلالت این روایت، وصی حق گرفتن طفل از مادر را ندارد. همچنین آیه شریفه «وَأُولُوا الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ» (سوره انفال، آیه ۷۵) را نیز مؤید همین معنا دانسته‌اند (نجفی، ۱۴۰۴: ج ۳۱، ۲۹۳).

۴. شرایط سقوط حق حضانت مادر در فرض ازدواج مجدد در حقوق کویت

در حقوق کویت نیز مانند فقه امامیه و حقوق ایران حضانت فرزند، حق مادر است. با این تفاوت که در حقوق ایران، حضانت حق و تکلیف پدر و مادر است و در صورت جدایی آنان از یکدیگر تا سن هفت سالگی فرزند، حق حضانت با مادر است و پس از هفت سالگی تا سن بلوغ حضانت با پدر است و در صورت فوت یا عدم شایستگی هر یک، حضانت طفل با دیگری است. اما ترتیب افراد دارای حق حضانت در حقوق کویت متفاوت از حقوق ایران است. بر اساس ماده ۱۸۹ قانون احوال شخصیه کویت حق حضانت، نخست برای مادر است و پدر در این حق با او شریک نیست. بلکه پدر نسبت به فرزند ولایت دارد.

در صورت فوت مادر یا فاقد شرایط بودن او، این حق برای مادرِ مادر و جدِ مادر است. پس از آن حق حضانت برای خاله سپس خاله خاله و سپس عمه مادر است. در صورت فقدان افراد فوق، حق حضانت با مادرِ پدر و سپس، پدر و پس از آن با خواهر و سپس با عمه و سپس عمه پدر و سپس خاله پدر و سپس دخترِ برادر و سپس دخترِ خواهر است. بنابراین پدر در حق حضانت برابر و هم‌رتبه مادر نیست. بلکه حضانت طفل، نخست برای مادر و خویشاوندان مؤنث مادری است. لذا برخلاف فقه امامیه و حقوق ایران، طبق حقوق کویت سلب حق حضانت از مادر به هر علتی، به معنای استحقاق پدر نسبت به حضانت فرزند نیست؛ چراکه افراد دیگری هستند که در حضانت فرزند، بر پدر تقدم دارند. بر اساس حقوق کویت اولین کسی که حق حضانت طفل به او اختصاص دارد، مادرِ طفل است. البته این حق، مطلق نیست و در صورت تحقق برخی شرایط، از مادر سلب می‌شود. شروط سلب حق حضانت از مادر در حقوق کویت مقداری متفاوت از حقوق ایران و فقه امامیه است. در ذیل به بیان این شرایط می‌پردازیم.

۴-۱. انعقاد عقد ازدواج

در حقوق کویت نیز مانند حقوق ایران یکی از شرایط سقوط حق حضانت مادر، ازدواج مجدد اوست. اما ازدواج مادر -برخلاف حقوق ایران و فقه امامیه- به طور مطلق مانع حق حضانت نمی‌شود، بلکه در صورتی موجب سلب حق حضانت از او می‌شود که با مردی که نامحرم طفل است ازدواج کند. حقوق دانان کویت برای اثبات این حکم به روایت منقول از حضرت رسول(ص) استناد کرده‌اند که می‌فرماید: «أَنْتِ أَحَقُّ بِهِ مِمَّا لَمْ تَنْكِحِي» (بیهقی، ۱۴۲۴: ج ۸، ۷؛ فاطمه احمد محمد عبدالله العلی،

۱۴۴۲: ۱۳۱). البته این حکم اختصاص به مادر ندارد، بلکه هر زنی که حضانت طفل را بر عهده می‌گیرد باید این شرط را داشته باشد. یعنی نباید با مردی که نامحرم طفل است ازدواج کرده باشد. در بیان علت و حکمت محرومیت مادر از حضانت طفل در این فرض گفته شده است، چون غالباً کراهت و نفرتی در دل و باطن زوج نسبت به طفل وجود دارد که موجب می‌شود مانع از مراقبت و رعایت مصلحت طفل توسط مادر شود (فاطمه احمد محمد عبدالله العلی، ۱۴۴۲: ۱۳۱)، اما اگر مادر با یکی از خویشاوندان محرم طفل مثل عموی طفل ازدواج کند، حق حضانت مادر از او سلب نمی‌شود، زیرا زوج در این فرض به جهت قرابت و خویشاوندی‌اش با طفل، نسبت به طفل مهربانی و عطوفت دارد (الغندور، ۱۹۷۲: ۵۴۴).

۴-۲. برقراری رابطه زناشویی

در بین مذاهب اهل سنت، حنفی‌ها و مالکی‌ها صرف ازدواج مادر با نامحرم را موجب سلب حق حضانت او نمی‌دانند، بلکه پس از رابطه زناشویی بین آنان، حق حضانت از مادر سلب می‌شود (ابن نجیم، ۱۹۹۷: ج ۴، ۱۸۳). ماده ۱۹۱ قانون احوال شخصیه کویت نیز به تبعیت از این دیدگاه مقرر می‌دارد: چنانچه حاضنه (مادر طفل یا هر زن دیگری که حضانت طفل با او است) با مردی که نامحرم طفل است ازدواج نماید و رابطه زناشویی بین آنان برقرار شود، حق حضانت از حاضنه سلب می‌شود. لازم به ذکر است منظور از غیرمحرم، غیرمحرم نسبی است، زیرا ازدواج با محرم رضاعی طفل، حکم اجنبی را دارد و موجب سقوط حق حضانت مادر می‌شود (ابن عابدین، ۱۹۹۲: ج ۳، ۵۶۵).

در مقابل، فقهای شافعی و حنبلی معتقدند صرف ازدواج مادر با مرد بیگانه (و لو رابطه زناشویی هنوز برقرار نشده باشد) موجب سلب حضانت از او می‌شود (حجاوی، بی‌تا: ج ۴، ۱۵۹: المقدسی، بی‌تا: ج ۴، ۱۵۹)؛ زیرا با صرف ازدواج، ذمه زن، مشغول به حقوق شوهر می‌شود و به خاطر روایت حضرت رسول (ص) که می‌فرماید: «أَنْتِ أَحَقُّ بِمَا لَمْ تَنْكِحِي» (شیرازی، بی‌تا: ج ۳، ۱۶۴).

طبق ماده ۱۹۱ قانون احوال شخصیه کویت، چنانچه کسی (پدر یا هر کس دیگری) که دارای حضانت طفل است با علم به ازدواج مجدد مادر طفل تا یک سال سکوت کند و بدون هیچ عذری مطالبه حق ننماید، حق حضانت او ساقط می‌شود و طفل علی‌رغم ازدواج مجدد مادر، از مادر گرفته نمی‌شود. تاریخ شروع مرور زمان یک ساله، از زمان علم صاحب حق حضانت، به ازدواج مجدد مادر است. اینکه صاحب حق حضانت ادعا کند نمی‌دانسته است که ازدواج مادر با غیرمحرم طفل، مسقط

حق حضانت اوست، پذیرفته نیست؛ زیرا این مسئله از مواردی است که هیچ کس جاهل به آن نیست (وزارت العدل، ۲۰۱۱: ج ۸، ۱۹۷، ذیل ماده ۱۹۱ قانون احوال شخصیه).

ابن عابدین از فقهای حنفی در خصوص مانعیت ازدواج با نامحرم طفل، اشکال کرده و گفته است: گاهی طفل صغیر خویشاوندی دارد که با طفل دشمن است و مرگ او را آرزو می کند، درحالی که شوهر مادر طفل نسبت به طفل مهربان است. خویشاوند طفل اصرار دارد طفل را بگیرد تا طفل و مادرش را با این کار اذیت کند یا اینکه نفقه طفل را بخورد و یا ... همان گونه که گاهی پدر طفل، همسر بداخلاقی اختیار کرده که چندین برابر شوهر مادرش او را اذیت می کند و یا فرزندی دارد که ترس آزار و اذیت طفل توسط آنان وجود دارد به جهت اینکه با هم زندگی می کنند. بنابراین اگر قاضی یا حاکم علم و اطلاع به این موارد داشته باشد، جایز نیست که طفل را از مادرش جدا نماید؛ زیرا ملاک و مدار مسئله حضانت، مصلحت و نفع طفل است (ابن عابدین، ۱۴۱۲: ج ۳، ۵۶۵).

به نظر، سخن ابن عابدین یک سخن دقیق و منطقی است و با مصلحت طفل انطباق بیشتری دارد؛ زیرا این گونه نیست که همیشه شوهر مادر نسبت به طفل عطوفت و شفقت نداشته باشد و با او بداخلاقی کند یا مانع مراقبت و حضانت مادر از او شود. بلکه چه بسا به خاطر دوست داشتن مادرش، طفل را نیز دوست داشته باشد و به او عطوفت نماید. همان گونه که خویشاوندان نیز همیشه نسبت به طفل مهربان نیستند و چه بسا خویشاوندی که نسبت به طفل بغض و کینه داشته باشد. بنابراین اگر قاضی و حاکم تشخیص دهند که بودن طفل در کنار مادرش (و لو اینکه مادر ازدواج کرده) به مصلحت طفل است و مراقبت و نگهداری از طفل بهتر صورت می گیرد و سپردن طفل به سایر خویشاوندان، آسیب هایی را متوجه طفل می نماید، طفل را نباید از مادرش جدا نماید. علاوه بر اینکه ترس از سلب حق حضانت از مادر به سبب ازدواج باعث آن می شود که بسیاری از زنان رغبتی به ازدواج نداشته باشند و این خصوصاً در عصر حاضر باعث بسیاری از مفاسد و آسیب های اجتماعی و ... و نیز مانع تحقق مصالح می شود. حال آنکه اگر پدر ازدواج مجدد کند حق حضانت از او سلب نمی شود (فاطمه احمد محمد عبدالله العلی، ۱۴۴۲: ۱۳۲).

بر اساس دیدگاه اهل سنت نیز اگر مادر طفل از همسر جدید خود طلاق بگیرد حق حضانت طفل به او برمی گردد. البته برخی گفته اند اگر طلاق رجعی باشد، حق حضانت بر نمی گردد (وزارة الأوقاف والشئون الإسلامية- الكويت، ۱۴۰۴: ج ۱۷، ۳۱۳)، زیرا در طلاق رجعی نکاح باقی است. اما شیرازی در کتاب المذهب فی فقه الامام الشافعی می گوید: این سخن درست نیست، زیرا حق حضانت مادر

بدان جهت با نکاح ساقط شد که مکلف به استمتاع زوج شده بود و همان گونه که با طلاق بائن، استمتاع از زن حرام می‌شود با طلاق رجعی نیز حرام می‌شود. بنابراین با طلاق رجعی نیز حق حضانت به مادر برمی‌گردد (شیرازی، بی تا: ج ۳، ۱۶۴).

اطلاق ماده ۱۹۳ قانون احوال شخصیه نیز دلالت بر این دارد که با طلاق گرفتن مادر از همسر جدید، حضانت به مادر برمی‌گردد. این ماده مقرر می‌دارد: حق حضانت با اسقاط کردن دارنده این حق، ساقط نمی‌شود و همانا با ایجاد موانع ساقط می‌شود و با برطرف شدن مانع دوباره این حق برمی‌گردد. البته بر اساس فقه مالکی، اگر آنچه باعث سقوط حق حضانت می‌شود امری اضطراری و غیر اختیاری باشد، با زوال مانع حق حضانت به دارنده حق مجدداً برگردانده می‌شود، مثل مبتلا شدن به بیماری‌ای که مانع انجام حضانت شده است یا مسافرت برای انجام حج واجب که با بهبودی از بیماری و برگشتن از حج، حق حضانت به مادر برمی‌گردد. اما اگر مانع حضانت، امری اختیاری باشد با مرتفع شدن مانع، حق حضانت به مادر برنمی‌گردد. مثل اینکه مادر با مرد نامحرم طفل ازدواج کند در این صورت با طلاق گرفتن از مرد یا وفات او، حضانت به مادر برنمی‌گردد، زیرا این مانع اختیاری بوده است و مادر با انتخاب و اختیار خود با آن مرد ازدواج نموده است (وزارة الأوقاف والشئون الإسلامية- الكويت، ۱۴۰۴: ج ۱۷، ۳۱۳). اما فقهای حنفی، شافعی و حنبلی تمایزی بین مانع اضطراری و اختیاری قائل نیستند و با مرتفع شدن مانع، قائل به برگشت حق حضانت به صاحب حق هستند چه اصل ایجاد مانع اضطراری بوده باشد و چه اختیاری، بدین دلیل که مصلحت طفل در برگشت حق حضانت است و دیدگاه مشهور نیز همین است (مجموعه تشریعات الكويتیه، المذکره الايضاحیه لمشروع قانون الاحوال الشخصیه، ۲۰۱۱: ۱۹۸).

نتیجه‌گیری

مطالعه تطبیقی اثر ازدواج مجدد مادر بر حق حضانت در فقه امامیه، حقوق ایران و کویت نشان داد که اگرچه هر سه نظام، حضانت مادر را در سال‌های نخست زندگی طفل به رسمیت شناخته‌اند، در تعیین شرایط سقوط و بازگشت این حق رویکرد یکسانی ندارند. در فقه امامیه و حقوق ایران ازدواج مجدد مادر در صورت حیات پدر، اصولاً مانع استمرار حضانت است؛ با این حال، با توجه به مبنای حکم و تناسب حکم و موضوع، صرف انعقاد عقد بدون آغاز زندگی مشترک، برای تحقق تعارض میان وظایف زوجیت و حضانت کافی به نظر نمی‌رسد. همچنین، وقوع رابطه زناشویی شرط سقوط حضانت نیست.

در صورت فوت پدر نیز مطابق مبانی فقهی و ماده ۱۱۷۱ قانون مدنی، حضانت با مادر زنده باقی می‌ماند، هرچند ازدواج مجدد داشته باشد. در حقوق کویت، قلمرو اثر ازدواج بر حضانت محدودتر است؛ به گونه‌ای که ازدواج مادر با محرم طفل موجب سقوط حضانت نمی‌شود و در ازدواج با نامحرم نیز بر اساس ماده ۱۹۱ قانون احوال شخصیه، تحقق رابطه زناشویی شرط سقوط حضانت است. افزون بر این، حیات پدر شرط سلب حضانت مادر نیست و پس از سقوط حضانت، ترتیب مقرر قانونی میان سایر صاحبان حق اعمال می‌شود.

در خصوص بازگشت حضانت در فقه امامیه و حقوق کویت، امکان بازگشت حق با زوال مانع پذیرفته شده است، هرچند در فقه امامیه و نیز فقه مذاهب اهل سنت درباره طلاق رجعی و بائن اختلاف نظر وجود دارد. برآیند پژوهش آن است که معیار اساسی در ارزیابی اثر ازدواج مادر نباید صرف وقوع نکاح، بلکه باید مصلحت طفل و وجود تعارض واقعی میان زندگی زناشویی جدید و ایفای وظایف حضانت باشد. از این منظر، توجه به شرایط عینی زندگی مادر و وضعیت طفل می‌تواند به تفسیری منطبق‌تر با فلسفه حمایتی حضانت منجر شود.

فهرست منابع

قرآن کریم

ابن عابدین، محمد امین (١٤١٢ق). **رد المحتار علی الدر المختار شرح تنویر الابصار**. بیروت: دار الفکر.
ابن منظور، ابوالفضل، جمال‌الدین، محمد بن مکرم (١٤١٤ق). **لسان العرب**. بیروت: دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع.

ابن نجیم، زین الدین بن ابراهیم (١٩٩٧ م). **البحر الرائق شرح کنز الدقائق و منحه الخالق**. بیروت: دارالکتب العلمیه.

احمد الغندور (١٩٧٢ م). **الاحوال الشخصیه فی التشريع الاسلامی مع بیان ما علیه العمل فی محاکم الکویت**. کویت: کلیه الحقوق و الشریعه - جامعه الکویت.

امامی، سید حسن (بی‌تا). **حقوق مدنی (امامی)**. تهران: انتشارات اسلامیة.
بحرانی، آل عصفور، یوسف بن احمد بن ابراهیم (١٤٠٥ق). **الحدائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة**، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرّسین حوزه علمیه قم.

بیهقی، أبو بکر، أحمد بن الحسین بن علی بن موسی الخُسرَوُجَرْدی الخراسانی (١٤٢٤ق). **السنن الکبری**، بیروت: دارالکتب العلمیه.

جزری، ابن اثیر، مبارک بن محمد (بی‌تا). **النهاية فی غریب الحديث و الأثر**، قم: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.
جعفری لنگرودی (١٤٠٤). **ترمیمولوژی حقوق**، تهران: گنج دانش.

جوهری، اسماعیل بن حماد (١٤١٠ق). **الصاحح - تاج اللغة و صحاح العربیة**، بیروت: دار العلم للملایین.
حاتری، سید علی بن محمد طباطبایی (١٤١٨ق). **ریاض المسائل** (ط - الحديثة)، قم: مؤسسه آل‌البيت (ع).
الحجاوی المقدسی، موسی بن أحمد بن موسی بن سالم بن عیسی بن سالم (بی‌تا) **الإقناع فی فقه الإمام أحمد بن حنبل**، بیروت: دار المعرفة.

حکیم، سید محسن طباطبایی (١٤١٠ق). **منهاج الصالحین (المحشّی للحکیم)**، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات.
حلّی، ابن ادریس، محمد بن منصور بن احمد (١٤١٠ق). **السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی**، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرّسین حوزه علمیه قم.

حلّی، علامه، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی (١٤١٣ق). **مختلف الشیعة فی أحكام الشریعة**، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرّسین حوزه علمیه قم.

حلّی، محقق، نجم‌الدین، جعفر بن حسن (١٤٠٨ق). **شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام**، قم: مؤسسه اسماعیلیان.

خویی، سید ابوالقاسم موسوی (١٤١٠ق). **منهاج الصالحین (للخوئی)**، قم: نشر مدینه العلم.
سبحانی تبریزی، جعفر (١٤١٦). **نظام النکاح فی الشریعة الإسلامیة الغراء**، قم: مؤسسه الامام الصادق (ع).
سبزواری، سید عبد الأعلى (١٤١٣ق). **مهذب الأحکام (للسبزواری)**، قم: مؤسسه المنار - دفتر حضرت آیه الله.

- شیرازی، زنجانی، سید موسی (۱۴۱۹ق). **کتاب نکاح (زنجانی)**، قم: مؤسسه پژوهشی رای پرداز.
- شیخ حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق). **تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة**، قم: مؤسسه آل البيت (ع).
- شیرازی، ابواسحاق، ابراهیم بن علی بن یوسف (بی تا). **المهذب فی فقه الامام الشافعی**، بی جا، دارالکتب علمیه.
- صاحب بن عباد، کافی الکفاة، اسماعیل بن عباد (۱۴۱۴ق). **المحیط فی اللغة**، بیروت: عالم الکتاب.
- صفایی، سید حسین و امامی، اسدالله (۱۳۹۸). **مختصر حقوق خانواده**، تهران: بنیاد حقوقی میزان.
- طاهری، حبیب الله (۱۴۱۸ق). **حقوق مدنی (طاهری)**، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- طوسی، ابوجعفر، محمد بن حسن (۱۳۸۷ق). **المبسوط فی فقه الإمامیة**، تهران: المكتبة المرتضوية لإحياء الآثار الجعفرية.
- طوسی، ابوجعفر، محمد بن حسن (۱۴۰۷ق). **تهذیب الأحکام**، تهران: دارالکتب الإسلامية.
- عاملی (شهید ثانی)، زین الدین بن علی (۱۴۱۰ق). **الروضة البهية فی شرح اللمعة الدمشقية (المحشى - کلانتر)**، قم: کتابفروشی داوری.
- عاملی، شهید ثانی، زین الدین بن علی (۱۴۱۳ق). **مسالك الأفهام إلى تنقيح شرائع الإسلام**، قم: مؤسسه المعارف الإسلامية.
- الغندور، احمد (۱۹۷۲ م). **الاحوال الشخصية فی التشريع الاسلامی مع بیان ما علیه العمل فی محاکم الكويت**، کویت: کلیه الحقوق و الشریعه - جامعه الكويت.
- فاطمه احمد محمد العلی (۲۰۲۱ م). «احکام الحضانه دراسه فقهیه فی ضوء قانون الاحوال الشخصیه الكويتی، مالیزیا»، **مجله فکریه نصف سنویه محکمه تصدرها الجامعه الاسلامیه العالمیه بمالیزیا**، الخامس و العشرون، ۱۴۶-۱۱۹.
- فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۱۰ق). **کتاب العین**، قم: نشر هجرت.
- کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق (۱۴۰۷ق). **الکافی**، (ط - الإسلامية)، تهران: دارالکتب الإسلامية.
- کاتوزیان، ناصر (۱۴۰۲). **دوره مقدماتی حقوق مدنی خانواده**، تهران: انتشارات میزان.
- لنکرانی، محمد فاضل موحدی (۱۴۲۱ق). **تفصیل الشریعة فی شرح تحریر الوسیلة - النکاح**، قم: مرکز فقهی ائمه اطهار (ع).
- مصطفوی، حسن (۱۴۰۲ق). **التحقیق فی کلمات القرآن الکریم**، تهران: مرکز الکتاب للترجمة و النشر.
- المقدسی، موسی بن احمد (بی تا). **الافئاع فی فقه الامام احمد بن حنبل**، لبنان: دار المعرفه.
- موسوی خمینی، سید روح الله (بی تا). **تحریر الوسیلة**، قم: مؤسسه مطبوعات دار العلم.
- نجفی، محمد حسن (۱۴۰۴ق). **جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام**، بیروت: دار إحياء التراث العربی.

واسطی، زبیدی، حنفی، محب‌الدین، سید محمد مرتضی حسینی (۱۴۱۴ق). **تاج العروس من جواهر القاموس**، بیروت - لبنان: دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع.

وزارة الأوقاف والشئون الإسلامية - الكويت (۱۴۰۴-۱۴۲۷ق). **الموسوعة الفقهية الكويتية**، الكويت: دارالسلاسل-الكويت.

وزارت العدل (۲۰۱۱م). **مجموعه التشريعات الكويتية، قانون الاحوال الشخصية، جزء ثامن**، الكويت: وزارة العدل.

یزدی، امید (۱۳۹۶). **خانواده در نظم حقوقی کنونی**، تهران: کتاب آوا.

قانون الاحوال الشخصية للكويت

قانون حماية خانواده ايران

قانون مدنی ایران

References

The Holy Quran.

Al-Ali, Fatimah Ahmad Muhammad. (2021). "Aḥkām al-Ḥaḍānah: Dirāsah Fiqhiyyah fī Ḍaw' Qānūn al-Aḥwāl al-Shakhṣiyyah al-Kuwaytī" [Rules of Child Custody: A Jurisprudential Study in Light of the Kuwaiti Personal Status Law]. *Fikriyyah: A Peer-Reviewed Semiannual Journal Published by the International Islamic University Malaysia*, Vol. 25, pp. 119–146.

Al-Amili, Al-Shahid al-Thani, Zayn al-Din ibn Ali. (1409 AH). *Tafṣīl Wasā'il al-Shī'ah ilā Taḥṣīl Masā'il al-Sharī'ah* [A Detailed Compilation of the Means of the Shi'a for Understanding the Issues of Islamic Law]. Qom: Al al-Bayt Institute.

Al-Amili, Al-Shahid al-Thani, Zayn al-Din ibn Ali. (1410 AH). *Al-Rawḍah al-Baḥiyyah fī Sharḥ al-Lum'ah al-Dimashqiyyah* [The Radiant Garden: Commentary on al-Lum'ah al-Dimashqiyyah]. Qom: Davari Bookstore.

Al-Amili, Al-Shahid al-Thani, Zayn al-Din ibn Ali. (1413 AH). *Masālik al-Afhām ilā Tanqīḥ Sharā'i' al-Islām* [Paths of Understanding toward the Refinement of the Laws of Islam]. Qom: Islamic Knowledge Institute.

Al-Bahrani, Al-e Asfour, Yusuf ibn Ahmad ibn Ibrahim. (1405 AH). *Al-Ḥadā'iq al-Nādirah fī Aḥkām al-'Itrah al-Ṭāhirah* [The Flourishing Gardens concerning the Rulings of the Pure Household]. Qom: Islamic Publications Office affiliated with the Society of Qom Seminary Scholars.

Al-Bayhaqi, Abu Bakr Ahmad ibn al-Husayn ibn Ali ibn Musa al-Khusrawjirdi al-Khurasani. (1424 AH). *Al-Sunan al-Kubrā* [The Major Sunan]. Beirut: Dar al-Kutub al-'Ilmiyyah.

Al-Farahidi, Khalil ibn Ahmad. (1410 AH). *Kitāb al-'Ayn* [The Book of 'Ayn]. Qom: Hijrat Publishing.

Al-Ghandour, Ahmad. (1972). *Al-Aḥwāl al-Shakhṣiyyah fī al-Tashrī' al-Islāmī ma'a Bayān Mā 'Alayhi al-'Amal fī Maḥākīm al-Kuwayt* [Personal Status in Islamic Legislation, with an Explanation of Judicial Practice in the Kuwaiti Courts]. Kuwait: Faculty of Law and Sharia, Kuwait University.

Al-Ghandour, Ahmad. (1972). *Al-Aḥwāl al-Shakhṣiyyah fī al-Tashrī' al-Islāmī ma'a Bayān Mā 'Alayhi al-'Amal fī Maḥākīm al-Kuwayt* [Personal Status in Islamic Legislation, with an Explanation of Judicial Practice in the Kuwaiti Courts]. Kuwait: Faculty of Law and Sharia, Kuwait University.

Al-Hajjawi al-Maqdisi, Musa ibn Ahmad ibn Musa ibn Salim ibn Isa ibn Salim. (n.d.). *Al-Iqnā' fī Fiqh al-Imām Ahmad ibn Hanbal* [Persuasion in the Jurisprudence of Imam Ahmad ibn Hanbal]. Beirut: Dar al-Ma'rifah.

Al-Hilli, Al-'Allamah, Hasan ibn Yusuf ibn al-Mutahhar al-Asadi. (1413 AH). *Mukhtalaf al-Shī'ah fī Aḥkām al-Sharī'ah* [The Jurisprudential Differences of the Shi'a concerning the Rulings of Islamic Law]. Qom: Islamic Publications Office affiliated with the Society of Qom Seminary Scholars.

- Al-Hilli, Al-Muhaqqiq, Najm al-Din Ja'far ibn al-Hasan. (1408 AH). *Sharā'ī al-Islām fī Masā'il al-Halāl wa al-Harām* [The Laws of Islam concerning Matters of the Lawful and the Prohibited]. Qom: Isma'iliyan Institute.
- Al-Hilli, Ibn Idris, Muhammad ibn Mansur ibn Ahmad. (1410 AH). *Al-Sarā'ir al-Hāwī li-Tahrīr al-Fatāwā* [Al-Sara'ir Containing the Compilation of Legal Verdicts]. Qom: Islamic Publications Office affiliated with the Society of Qom Seminary Scholars.
- Al-Jawhari, Isma'il ibn Hammad. (1410 AH). *Al-Ṣiḥāḥ: Tāj al-Lughah wa Ṣiḥāḥ al-'Arabiyyah* [Al-Sihah: The Crown of Language and the Correct Arabic Words]. Beirut: Dar al-'Ilm lil-Malayin.
- Al-Khoei, Seyyed Abu al-Qasim al-Musawi. (1410 AH). *Minhāj al-Ṣāliḥīn* [The Path of the Righteous]. Qom: Madinat al-'Ilm Publishing.
- Al-Kulayni, Muhammad ibn Ya'qub ibn Ishaq. (1407 AH). *Al-Kāfī*. Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyyah.
- Al-Maqdisi, Musa ibn Ahmad. (n.d.). *Al-Iqnā' fī Fiqh al-Imām Aḥmad ibn Ḥanbal* [Persuasion in the Jurisprudence of Imam Ahmad ibn Hanbal]. Lebanon: Dar al-Ma'rifah.
- Al-Najafi, Sahib al-Jawahir, Muhammad Hasan. (1404 AH). *Jawāhir al-Kalām fī Sharḥ Sharā'ī al-Islām* [Jewels of Speech: Commentary on the Laws of Islam]. Beirut: Dar Ihya' al-Turath al-'Arabi.
- Al-Shirazi, Abu Ishaq Ibrahim ibn Ali ibn Yusuf. (n.d.). *Al-Muhadhdhab fī Fiqh al-Imām al-Shāfi'ī* [Al-Muhadhdhab in the Jurisprudence of Imam al-Shafi'i]. Beirut: Dar al-Kutub al-'Ilmiyyah.
- Al-Tusi, Abu Ja'far Muhammad ibn al-Hasan. (1387 AH). *Al-Mabsūt fī Fiqh al-Imāmiyyah* [Al-Mabsut in Imami Jurisprudence]. Tehran: Al-Murtazawiyya Library for the Revival of Ja'fari Heritage.
- Al-Tusi, Abu Ja'far Muhammad ibn al-Hasan. (1407 AH). *Tahdhīb al-Aḥkām* [The Refinement of Legal Rulings]. Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyyah.
- Al-Zabidi al-Hanafī al-Wasiti, Muhibb al-Din, Sayyid Muhammad Murtada al-Husayni. (1414 AH). *Tāj al-'Arūs min Jawāhir al-Qāmūs* [The Crown of the Bride from the Jewels of the Dictionary]. Beirut, Lebanon: Dar al-Fikr for Printing, Publishing and Distribution.
- Emami, Seyyed Hassan. (n.d.). *Huqūq-e Madanī* [Civil Law]. Tehran: Eslamiyeh Publications.
- Ha'iri, Seyyed Ali ibn Muhammad Tabataba'i. (1418 AH). *Riyāḍ al-Masā'il* [The Gardens of Legal Issues]. Qom: Al al-Bayt Institute.
- Hakim, Seyyed Mohsen Tabataba'i. (1410 AH). *Minhāj al-Ṣāliḥīn* [The Path of the Righteous]. Beirut: Dar al-Ta'aruf lil-Matbu'at.
- Ibn 'Abidin, Muhammad Amin. (1412 AH). *Radd al-Muḥtār 'alā al-Durr al-Mukhtār: Sharḥ Tanwīr al-Abṣār* [Radd al-Muhtar on al-Durr al-Mukhtar: Commentary on Tanwir al-Absar]. Beirut: Dar al-Fikr.
- Ibn al-Athir al-Jazari, Mubarak ibn Muhammad. (n.d.). *Al-Nihāyah fī Gharīb al-Ḥadīth wa al-Athar* [The End concerning Uncommon Terms in Hadith and Reports]. Qom: Isma'iliyan Publishing Institute.
- Ibn Manzur, Abu al-Fadl Jamal al-Din Muhammad ibn Mukarram. (1414 AH). *Lisān al-'Arab* [The Arabic Language]. Beirut: Dar al-Fikr for Printing, Publishing and Distribution.
- Ibn Nujaym, Zayn al-Din ibn Ibrahim. (1997). *Al-Baḥr al-Rā'iq: Sharḥ Kanz al-Daqa'iq wa Minḥat al-Khāliq* [The Clear Sea: Commentary on Kanz al-Daqa'iq and Minhat al-Khaliq]. Beirut: Dar al-Kutub al-'Ilmiyyah.
- Islamic Republic of Iran. *Civil Code*.
- Islamic Republic of Iran. *Family Protection Law*.
- Ja'fari Langroudi, Mohammad Ja'far. (1404 AH). *Terminology of Law*. Tehran: Ganj-e Danesh.
- Katouzian, Nasser. (1402 AH). *Dawreh-ye Moqaddamati-ye Hoqūq-e Madani-ye Khānevādeh* [An Introductory Course in Family Civil Law]. Tehran: Mizan Publications.
- Lankarani, Muhammad Fazel Movahedi. (1421 AH). *Tafṣīl al-Sharī'ah fī Sharḥ Tahrīr al-Wasīlah: Al-Nikāḥ* [Detailed Explanation of Islamic Law: Commentary on Tahrir al-Wasilah – Marriage]. Qom: A'immah Athar Jurisprudential Center.
- Ministry of Awqaf and Islamic Affairs – Kuwait. (1404–1427 AH). *Al-Mawsū'ah al-Fiqhiyyah al-Kuwaytiyyah* [Kuwaiti Encyclopedia of Islamic Jurisprudence]. Kuwait: Dar al-Salasil.
- Ministry of Justice – Kuwait. (2011). *Majmū'at al-Tashrī'āt al-Kuwaytiyyah: Qānūn al-Aḥwāl al-Shakṣiyyah*, Vol. 8 [Collection of Kuwaiti Legislation: Personal Status Law]. Kuwait: Ministry of Justice.

- Mostafavi, Hassan. (1402 AH). *Al-Taḥqīq fī Kalimāt al-Qurʾān al-Karīm* [An Investigation into the Words of the Holy Qur'an]. Tehran: Markaz al-Kitab for Translation and Publishing.
- Mousavi Khomeini, Seyyed Ruhollah. (n.d.). *Tahrīr al-Wasīlah* [The Practical Manual of Islamic Legal Rulings]. Qom: Dar al-ʿIlm Publishing Institute.
- Sabzavari, Seyyed Abd al-Aʿla. (1413 AH). *Muhadhdhab al-Aḥkām*. Qom: Al-Manar Institute, Office of Ayatollah Sabzavari.
- Safaei, Seyyed Hossein, & Emami, Asadollah. (1398 AH). *Mukhtaṣar Ḥuqūq-e Khānevādeh* [A Concise Study of Family Law]. Tehran: Mizan Legal Foundation.
- Sahib ibn ʿAbbad, Kafī al-Kufat Ismaʿil ibn ʿAbbad. (1414 AH). *Al-Muḥīt fī al-Lughah* [The Comprehensive Dictionary of the Arabic Language]. Beirut: ʿAlam al-Kutub.
- Shubayri Zanjani, Seyyed Musa. (1419 AH). *Kitāb al-Nikāḥ* [The Book of Marriage]. Qom: Raypardaz Research Institute.
- Sobhani Tabrizi, Jaʿfar. (1416 AH). *Nizām al-Nikāḥ fī al-Sharīʿah al-Islāmiyyah al-Gharrāʾ* [The System of Marriage in Islamic Law]. Qom: Imam al-Sadiq Institute.
- State of Kuwait. *Kuwaiti Personal Status Law*.
- Taheri, Habibollah. (1418 AH). *Ḥuqūq-e Madanī* [Civil Law]. Qom: Islamic Publications Office affiliated with the Society of Qom Seminary Scholars.
- Yazdi, Omid. (1396 AH). *Khānevādeh dar Naẓm-e Ḥoqūqī-ye Konūni* [Family in the Current Legal System]. Tehran: Ketab-e Ava.